

# ممنون که دیر آمدید

بالیدن در عصر سه شتاب همگاه:  
فناوری، جهانی شدن و تغییر آب و هوا

ترجمه‌ی: توماس ال. فریدمن  
نویسنده‌ی جهان مسطح است

احمد عزیزی

## فهرست

۷	بخش اول: درنگ
۹	۱ ممنون که دیر آمدید
۲۵	بخش دوم: شتاب
۲۷	۲ در سال ۲۰۰۷ چه اتفاقی افتاد؟
۴۹	۳ قانون مور
۱۱۷	۴ اَبَرنوآختر
۱۵۹	۵ بازار
۲۰۷	۶ مام طبیعت
۲۴۳	بخش سوم: نوآوری
۲۴۵	۷ خیلی، خیلی، خیلی تند
۲۶۵	۸ تبدیل هوش مصنوعی به همیاری هوشمند
۳۰۳	۹ «کنترل» رودرروی «کیاس»
۳۶۹	۱۰ مام طبیعت، معلم و پیر سیاست
۳۹۹	۱۱ آیا در فضای مجازی خدایی هست؟
۴۱۳	بخش چهارم: لنگر
۴۱۵	۱۲ از مینه‌سوتا به جهان و بازگشت
۴۲۳	نمایه نام‌های اشخاص

## ممنون که دیر آمدید

هرکس به دلیلی پا به حرفه‌ی روزنامه‌نگاری می‌گذارد، بیش‌ترشان ایده‌پردازند. برخی اهل تحقیق و تفحص‌اند، شماری مته به خشخاش حوزه‌هایی خاص می‌گذارند، و عده‌ای نیز چشم به خبرهای فوری یا تحلیل و تفسیر دارند. من خود همیشه دل با این آخری گره زده‌ام و روزنامه‌نگار شدن‌ام هم اصلاً از سرعشق و علاقه‌ام به ترجمه از انگلیسی به انگلیسی بوده.

کیف می‌کنم از اینکه موضوعی پیچیده را پیش بکشم، و برای کمک به خواننده در فهم بهتر آن، بخش‌بخش و تجزیه‌اش کنم — چه مسائل خاورمیانه باشد، یا محیط زیست، یا جهانی شدن، یا سیاست‌های آمریکا. دموکراسی تنها زمانی چاره‌ساز است که رأی‌دهندگان در آن از کاروبار جهان سردرآورند، تصمیمات سیاستی هوشمندانه‌تر بگیرند، و به این ترتیب احتمال غلتیدن‌شان در دام عوام‌فریب‌ها، تندروها یا دلبستگان نظریه‌های توطئه را — در بهترین حالت مایه‌ی سردرگمی مردم یا در بدترین حالت خواسته و دانسته مایه‌ی گمراهی آنان — کم‌تر کنند. زمانی که کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ را دنبال می‌کردم، این حرف ماری کوری<sup>۱</sup> را، بیش از هر زمان، صادق یافتم: «در زندگی نباید از چیزی ترسید. تنها باید آن را فهمید.

۱. Marie S. Curie: (۱۸۶۷-۱۹۳۴)، فیزیکدان و شیمی‌دان لهستانی — م

اینک زمانه‌ی فهم بیشتر برای ترس کم‌تر است.» احساس ترس و بی‌قراری خیلی‌ها در این زمانه چندان شگفتی برانگیز نیست. من در این کتاب از گذران‌مان در یکی از مهم‌ترین چرخش‌های تاریخی گفتم — شاید بی‌سابقه‌ترین چرخش از زمان کلید خوردن انقلاب چاپ در اروپا و هموار شدن راه نهضت اصلاح دینی، توسط گوتنبرگ، آهنگر و چاپگر آلمانی.

سه نیروی بزرگ در زمین، عظیم‌تر از هر نیرویی تاکنون — فناوری، جهانی شدن و تغییر آب و هوا — شتابی ناگهانی گرفته‌اند و در نتیجه وجوهی پرشمار در جوامع‌مان، فضاهای کار و حرفه‌مان، و اصلاً حوزه‌های ژئوپولیتیک‌مان، در حال جابجایی‌اند و بی‌شک محتاج بازاندیشی.

تغییراتی آنی در شتاب تغییرات، با گستره‌ای در این حد و در حوزه‌هایی پرشمار، آنگونه که هم‌اکنون شاهد آن هستیم، به راستی گیج‌کننده‌اند.

جان اف. کلی<sup>۱</sup>، معاون ارشد آی.بی.ام در حوزه‌های شناختی و پژوهشی، زمانی به من گفت، «ما انسان‌ها در جهانی خطی زندگی می‌کنیم که مسافت، زمان و سرعت در آن در حالت خطی است. امروزه اما شتاب رشد فناوری به شکل منحنی است و تصاعدی. شتاب تصاعدی را تنها هنگامی می‌توان لمس و تجربه کرد که چیزی، برای مثال اتومبیلی، در مرحله‌ی شتابگیری اولیه باشد، یا با ترمزی شدید و ناگهانی از شتاب آن کاسته شود. در چنین تجربه‌ای رسیدن از سرعت صفر به صد ظرف تنها ۵ ثانیه، با وجود احساس بی‌قراری و تنش برای لحظاتی، چه بسا شور و هیجانی نیز باشد. هیچ‌کس البته مسافتی طولانی را با چنین سرعتی نخواهد پیمود. به باور کلی اما این دقیقاً همان سرعتی است که ما هم اکنون تخت گاز با آن می‌رانیم و «احساس خیلی‌ها در حال حاضر حضور دائم در چنین شرایطی است.»

اقتضای چنین شرایطی ایست است و درنگ، نه ترس و پس‌نشینی؛ و نه تنها با قصد تفنن و تازه‌کردن نفسی، بلکه برای فهم بهتر شرایط و تعاملی سازنده‌تر با جهان پیرامون.

به گفته رفیق و معلم‌ام، داو سیدمن، مدیرعامل شرکت ال. آر. ان<sup>۲</sup>، مشاور بنگاه‌های جهانی در حوزه‌های اخلاق و راهبرد، «فشردن دکمه‌ی "ایست" در یک اتومبیل، آن را از حرکت بازمی‌دارد. آدم‌ها اما با فشردن دکمه‌ی "ایست" شان به راه می‌افتند — برای درنگ و تأمل، بازاندیشی بر سر مفروضات‌شان و بازآفرینی پندارهایشان؛ اگر بشود. و مهم‌تر از همه، زدن نقبی به نهادینه‌ترین باورهایشان. تنها با چنین رویکردی می‌توان به راهی هموارتر اندیشید.»

مهم‌تر از هر چیز اما، به گفته‌ی او، «کارمان در خلال این وقفه است و به قول رالف والدو ایرسون<sup>۳</sup> "گوش به زنگ بودن‌مان در هر درنگ و وقفه‌ای"»

بهترین مثال برای نمایش قصدم از تألیف این کتاب، فرود خودم از چرخ‌فلکی است که خود در مقام ستون‌نویس در نیویورک تایمز، سال‌ها و سال‌ها، دوبار در هفته، با آن چرخیده‌ام — برای توقف و درنگی ژرف‌تر بر سر آنچه از نگاه من چرخشی است بنیادی در تاریخ.

تاریخ دقیق صدور «اعلامیه‌ی استقلال» خودم از این چرخ دوار سرگیجه‌آور را به یاد ندارم. حدود اوایل ۲۰۱۵ بود و یکسره از سر بخت و اقبال. من معمولاً وعده‌های دیدارم با برخی دوستان، و نیز مصاحبه‌هایم با مقامات دولتی، تحلیلگران یا دیپلمات‌ها را سر میز صبحانه، جایی در مرکز شهر واشینگتن دی سی و نزدیک دفتر نیویورک تایمز می‌گذارم — عادتی برای پربار کردن ساعات روزم و جلوگیری از اتلاف زمان صبحانه با صرفاً خوردن. هرازگاه نیز، با لحاظ معمولاً غیرقابل پیش‌بینی بودن ترافیک واشینگتن دی سی و قطارهای زیرزمینی آن در ساعات اولیه صبح، مهمانان‌ام ده، پانزده، یا حتی بیست دقیقه‌ای دیرتر سر قرارمان حاضر می‌شوند. معمولاً همه‌شان هم موقع نشستن چندین بار با ناراحتی دست‌ها را به هم می‌مالند و با طرح دلایلی چون تأخیر قطار زیرزمینی، تراکم ترافیک در جاده کمربندی، کسالت فرزندشان یا اصلاً زنگ نزدن ساعت‌شان در اول صبح، از این بابت پوزش می‌خواهند.

1. L.R.N

۲. Ralph Waldo Emerson: نویسنده، خطیب، فیلسوف، شاعر آمریکایی و رهبر جنبش استعلاگرایی در میانه قرن ۱۹ میلادی - م.

۱. برابر لاتین اسلامی اشخاص در پایان کتاب، به ترتیب حروف الفبا درج شده است.